



| |
|---|
| تحلیل طبقاتی متکی بر تشخیص تضاد عمدہ صفحه ۱۵ |
| تداوم اعتصاب و تحصن پرستاران صفحه ۱۵ |
| تظاهرات معلمان صفحه ۱۶ |
| مبارزه علیه بستن کانال تلگرام صفحه ۱۵ |
| صفحه ۴ در جنبش جهانی کمونیستی صفحه ۱۵ |
| صفحه ۵ اشغال ۳۰٪ سرزمین سوریه صفحه ۱۵ |
| صفحه ۶ دو روش متضاد در مبارزه طبقات متخاصم صفحه ۱۶ |
| صفحه ۷ با یکدیگر! صفحه ۱۶ |

درگیری گرگ و شغال دو نظام سرمایه داری؟

گرگان امپریالیستی غرب، در عزم کشاندن منطقه‌ی وسیع ایران تحت اشغال شغالان حاکم، با پیش کشیدن اینکه غنی سازی اورانیوم جهت تهیه‌ی بمب اتمی در خدمت این شغالان است، دست به تحریم اقتصادی ایران زدند:

پس از چندسال گفت و گو و ضربه زدن به موسسات اتمی در ایران نظیر قطع تولید آب سنگین در جلوگیری از تهیه‌ی پلوتونیوم و درمنع غنی سازی اورانیوم بالاتر از ۵٪ رادیو آکتیو و توافق با از کارانداختن بخش بزرگی از کانون گریز (سانتریفوژ)‌های این غنی سازی، برای بقیه در صفحه سوم

به دفاع از مردم فلسطین برخیزیم

ارتش جنایتکار و اشغالگر اسرائیل تظاهرات فلسطینیان در اعتراض به افتتاح سفارت آمریکا و ادامه اشغالگری و کشت و کشتار فلسطینیان را بار دیگر با خاک و خون کشید. این اولین جنایت رژیم فاشیستی اسرائیل نیست که با کمک امپریالیست های غربی بویژه آمریکا انجام می شود. انتقال و گشایش سفارت آمریکا از تلأویو به بیت المقدس چراغ سبز همکاری دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل در سرکوب و اشغال بیشتر سرزمینی های فلسطین است. امپریالیسم آمریکا با همکاری اسرائیل جنایات متعددی را در خاورمیانه سازماندهی کرده است، اینها دستشان تا مرفق به خون کارگران، زحمتکشان و خلق های دربند بقیه در صفحه چهارم

سکولاریسم رهانی بخش نیست!

این روزها تبلیغاتی از جانب سلطنت طلبان در زمینه‌ی خدمات رضاشاه پهلوی از جمله در مورد سکولاریسم دولت حاکم ایران را با غلوکردنها گوبزاری سر می دهد. آیا در دوره‌ی ۱۶ ساله‌ی سلطنتش وی توانست به نظام ارباب رعیتی و کمپرادری در ایران پایان بخشد؟ نه ولی او خودش را به مالک بزرگ صاحب هزار ده مرغوب هم مبدل ساخت؟

جواب صرفا نه گفتن کافی نیست برای آگاهی شنونده‌ها. حتاً بخشی از جریانات چپ براندازی جمهوری اسلامی را تحقق سکولاری شدن دولت ایران می دانند؟

بررسی این مقوله بدون اتكاء به علم اجتماعی ماتریالیستی دیالکتیکی تکامل مبارزه‌ی طبقاتی فاقد هرگونه اعتبار و حقانیتی می باشد.

بسیاری از مقولات اجتماعی در تعریف کیفیت حق، آزادی، سکولاریسم، دموکراسی، انتخاب نماینده گان، سلطنت، جمهوری خواهی، رفراندوم و غیره چیست را بدون جوابی علمی از نظر طبقاتی، بدون ریشه یابی علل بروز درکهای متفاوت هر کدام از این مقولات و ارائه‌ی نظری که به طورنسبی دقیق، معقول و قابل توضیح باشند نداده و از بقیه در صفحه دوم

کارگران و زحمتکشان ایران نه به طرح رژیم چنگ آمریکائی

مشترک مرتعان حاکم و امپریالیسم اند. نگاهی به همین چند ماه گذشته بیاندازید و صحنه نبردهای طبقاتی را بازدید کنید: درد ستمدیدگان و آوارگان چه زن و چه مرد دردی است همگانی. در عفرین کشند و سوزاندند و اشغال کردند، در دیماه گذشته در ایران دربیش از هشتاد شهر توده های عرب، فارس، ترک، بلوچ و کرد برخاستند. دشمن مشترک آنها نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی بیش از سی نفر را به گلوله بستند و پنج هزار نفر را دستگیر کردند، در فلسطین سه هزار نفر را نیروهای اشغالگر اسرائیلی رخمی کردند و شصت نفر را اخیراً کشند. اردوغان در ترکیه، خامنه‌ای در ایران ننان یا هو در اسرائیل دشمنان مشترک بقیه در صفحه سوم

طرحی است روی میز رئیس جمهور ترامپ آمریکا که «رژیم چنگ» را از طریق مناطق مرزی ایران و با کشاندن ملیت‌ها ستمدیده در مناطق پیرامونی می خواهد پیاده کنند.

حزب رنجبران ایران با حرکت از اصول اساسی جهانی اش در سمت توده‌های ستمدیده خلق‌ها ایران ایستاده، به رهبران و سرکردگان احزاب و سازمان‌هایی که به دام دستگاه‌های امنیتی آمریکائی افتاده اند هشدار می دهد مهر خیانت و جنایت را بر پیشانی خود نزنید و بنام ملل ستمدیده کرد، ترک، بلوچ و عرب دست طلب بسوی دلارهای باد کرده‌ی آمریکا دراز نکنید. درد ملیت‌ها دردی همگانی است، درد سراسر منطقه خاور میانه است همانطور که دشمنان آنها هم،

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



دولت نه تنها این تمایزات واقعی را لغو نمی کند بلکه وجودش مشروط به وجود آنها است".

اما باید اذعان کنیم که مشکل فقط درک یک جانبی از سکولاریسم خلاصه نمی شود. با برخی از جنبش توده ای در حدود ۱۰۰ شهر در دیماه ۱۳۹۶ در ایران و در شرایطی که هیچ تشکلی قادر به هدایت این جنبش نشد، دیدگاه جنبشی بودن راه رهائی توده های مردم در ایران در جریان تبدیل شدن به دیدی عملی توسط افراد و نیروهای چپ موردن تبلیغ قرار می گیرد. وجود جنبشی متعدد کارگری، روسناکی، زنان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، بازنیسته گان، ملیتها، نویسنده گان و هنرمندان، دسته جاتی مذهبی و غیره انکار ناپذیر است. اما در هیچ جانی از جهان این جنبشها چه به صورت رسته ای و چه جمعی با حفظ نظرات خود به طور جداگانه و یا متحد تا به امروز قدرت دولتی را به دست نگرفته اند و دلیلش هم روشن است که در این جنبشها با درکها و خواسته های گوناگون بعض در مقابل هم ممکن است وجود داشته باشد. بنابراین وحدت این جنبشها همانند وجود نفع تسبیح توامندی است که دانه های زیادی را در درکنار هم و در حرکت باهم نگه می دارد. راهنمائی و حرکت متحد این جنبشها نیاز به قرارگرفتن جنبش کارگری در راس رهبری مبارزات این جنبشها دارد که علت اساسی وجود تمامی این جنبشها را عمدتاً ناشی از حاکمیت نظام مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و مبادله و استثمار و ستم این مالکان که در ایران سرمایه داری، دانسته و گرد این طبقه ای تاریخ سازکنونی جنبشها باید جمع شوند تا تومار رژیم منحط و فاسد سرمایه داری را در هم بپیچند. امری که کمونیست علمی این راه ظفرمند را با روشی ترسیم نموده و ایجاد حزب طبقه ای کارگر کمونیست را پیشکار اول جنبش کارگری و جنبشها توده ای در پیش گذاشته و صحت عملی این رهنمود را ثابت کرده است. اما تزلزلی که امروز در میان تشکلهای چپ ایران در این مورد موجود است و تن به ایجاد چنین حزبی در پیوند فشرده با کارگران کمونیست نمی دهد دست به نظر سازی غیرمادی و یک جانبی اتحاد جنبشها باهم را ساز کرده اند، سرخستی به غایت غیر علمی ای است که نه قابل تحقق و نه پایدار می تواند باقی بماند. بنابراین از کلیه ای کمونیستهای که پای بند دفاع از کمونیسم علمی هستند، دست به اقدام اتحاد فشرده با هم و طرد سکتاریسم تشکیلاتی در خدمت به

اگر به تاریخ جوامع بشمرد چند هزار سال اخیر نگاه نکیم، دو دیدگاه متفاوت ایده آیسیم و ماتریالیسم در برابر یکدیگر قرار گرفتند. در شرایطی که طبقات حاکم استثمارگر و ستمگر در حفظ موقعیت خویش به دنبال توجیهی در حفظ مناسبات ناعادلانه می گشتند تا این وضع حاکم و محکوم و دارا و ندار را معقول جلوه دهند، ادیانی که برای قابل تحمل کردن فشار و ستم عظیم نسبت به بی چیزان و حواله دادن امید دنیای بعداز مرگ را جهت دلداری مردم علم کردن و حتا در ابتداء محدودی از مسیحیان در صدد ایجاد مناسبات برابری نه در مالکیت بلکه در تقسیم نیاز زندگی برآمدند که دوام چندانی نیاورند و مسیحیت در آشتی با حاکمان و دست یابی به ثروت و قدرت در خدمت به دولتها درآمدند. این امر هنوز امروز نیز ادامه دارد.

به این ترتیب، اگر به ارزیابی علمی و همه جانبی کمونیسم علمی در تلاش برای ازبین بردن مناسبات طبقاتی و نظامهای استثماری و ستمگرانه و تبعیضهای ضدبشری نیاندیشید و به طور سطحی مثلا وجود دموکراسی و آزادی و غیره را در کشورهای امپریالیستی باور داشته باشیم، در این صورت راه رهائی راستین و علمی پیشروی را نیافرته و جز خدمت به بقای این مناسبات کهنه و فاسد و ظالمانه هنری از خود بروز خواهیم داد.

مارکس با دقت علمی بی نظیری در برخورد به مسائل پایان دادن به سلطه ای دین، آزادی سیاسی و دولت در کتاب درباره مسئله ای یهود نوشت: "تاریخ به اندازه کافی در خرافات حل شده است، اکنون خرافات را در تاریخ حل خواهیم کرد. مسئله ای رابطه ای آزادی سیاسی بامذهب برای ما به مسئله ای رابطه ای آزادی سیاسی به آزادی انسان تبدیل می شود. ضعف مذهبی دولت سیاسی را از طریق نقد دولت سیاسی در شکل سکولار آن، جدا از ضعف مذهبی اش، نقد کنیم" ... "هنگامی که دولت به عنوان دولت، مالکیت خصوصی را لغو می کند، انسان به طریق سیاسی اعلام می دارد که به محض آن که شرط مالکیت برای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن لغو شود..."، مالکیت خصوصی نیز لغو خواهد شد"..." باوجود این، دولت به مالکیت خصوصی به میزان تحصیلات، به مقام شغلی اجازه می دهد تا به شیوه ای خود یعنی به عنوان مالکیت خصوصی، به عنوان میزان تحصیلات و به عنوان مقام شغلی عمل کند و با ماهیت ویژه ای خود تاثیرگذار باشد.

سکولاریسم...
بچه از صفحه اول

افتادن به گرداب دیگاهای مافوق طبقاتی دفاع می کند. نباید به طور جاهلانه ای مثل کسانی بود که حتا امروز رضاشاہ دیکتاتور ضد کمونیست و آزادی کش را "ابرهمان راه آزادی" تبلیغ می کند و یا عده ای تصویر خمینی جایت کار را "در ماه آسمان" مشاهده کردن، جایگاه واقعی این ادعاهارا نشان ندهیم. امروز بیش از هر زمان دیگر نقش تکیه به آگاهی علمی اجتماعی و مسلح شدن به آن را در تیز سیاه از سفید و باطل از حق بیاموزیم و در عمل به کار بیندیم.

آیا سکولاریسم در فالب "جادی" دین از دولت" رهائی بخش است؟ اگر جواب آری باشد چرا بعداز قریب ۳۰۰ سال مدافعان سکولاریسم قادر به جدائی واقعی و راستین "دین از دولت" حتا در کشورهای امپریالیستی نشده اند؟ چرا امروز حتا یک کشور واقعی سکولار درجهان به وجود نیامده و ناف ادیان به صورتهای مختلفی به ناف نظامهای طبقاتی حاکم موجود وصل اند؟

زیرا زمانی که طبقه سرمایه دار در رهائی از زیر سلطه ای نظام غالب فئودالی در تلاش برای کسب قدرت از جمله سکولار کردن دولتها از طریق جلب هرچه بیشتر توده های مردم زیر سلطه ای فئودالها به حمایت از خود و به زیر مهمیز سرمایه سalarی خویش کشاند، برقراری سکولاریسم را رهائی بخش قلمداد می کردن. اما به محض این که توanstند قدرت دولتی را به دست آورند، در مقابل خواستهای دموکراتیک توده ها، برای حفظ سلطه خود با یک ملعق زدن نه تنها با فئودالها و نهادهای دینی سازش کردند، بلکه با تمام وجود در حفظ توده های کارو رحمت در زیر استثمار و ستم دست به کارشندن:

به دست این دولتها سرمایه دار، نه به طور قاطعی چه در سطح قانون اساسی هرکشور، چه ضبط کردن ثروت و مراکز تولیدی و خدماتی مدافعان کلیسا، مسجد، معبد، کنست، چه گرفتن مالیات از این موسسات دینی، چه جدائی از نهادهای آموزشی، قضائی، تبلیغاتی، مراسم مذهبی، تعطیلات رسمی مذهبی و غیره امتناع کرده و جدائی دین از دولت صورت واقعیت یافته ای نگرفته و حتا با ایجاد احزاب متکی بر دین و شرکت این گونه احزاب در هدایت دولت در کشورها مناسبات تنگاتنگ و فشرده ای بین دولت و دین برقرار کرده و تاحد حفظ این مناسبات تاکنون پای فشرده اند.

نه برنامه غنی سازی اورانیوم به منظور تولید برق اتمی در ایران و نه توافق نامه «برجام» مورد حمایت اکثریت عظیم توده های مردم نبوده اند. مداخله ای اشکار گرگ هار امپریالیستی آمریکا در همدستی با صهیونیستها و کشورهای مرتاجع عرب نظیر عربستان سعودی، جز تحمل فقر و فاقه و وابستگی به امپریالیستها هیچ احترامی به آزادی و رهائی این توده های ستمدیده ندارند. کلیه ای این توافقات، یا نفی توافق و مداخلات جدید بین مرتاجع جهانی و داخلی، از نظر توده های مردم محکوم و مطروح به حساب می آیند.

براندازی رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داری حاکم و قطع دست مداخله گرانه ای امپریالیستها تنها راهی است که باید در دستور مبارزات کارگران و زحمت کشان قرار گرفته و با کسب قدرت سیاسی و برقراری نظام سوسیالیستی خود را از جهنم کنونی حاکم بر ایران نجات بدهدن.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. برچیده باد تجاوز گری امپریالیسم و صهیونیسم و هم دستان مرتاجع اینان! مرگ بر جمهوری اسلامی حاکم دشمن اکثریت عظیم توده های مردم ایران! در مقابل جنگ طلبی مرتاجع، جنگ انقلابی توده ها جواب راستین است! زنده باد آزادی و سوسیالیسم تنها راه رهائی ۸ میلیارد مردم جهان!

حزب رنجبران ایران
۱۳۹۷ اردیبهشت (۲۰۱۸ مه ۱۰)

با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکراین نکته را ضروری می دانیم که تکیه ای حزب به اعضاء و توده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشنی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه ارتجاج داخلی، از جمله مبارزه علیه رژیم جنایتکار اسلامی حاکم جدا نیست. بر ماست علیه سکتاریسم، خود مرکز بینی از یکسو و رویزیونیسم و نفی گرانی در جنبش چپ و کمونیستی مبارزه اید ئولوژیک را در خدمت یکی شدن و ایجاد حزب کمونیست واحد براساس اصول کمونیسم علمی به جلو برمیم.

بر ماست همه جانبی و با تمام نیرو از جنبش های در حال رشد کارگری، زنان، معلمان، بازنیستگان، دانشجویان و ملل تحت ستم پشتیبانی کنیم و برای ایجاد وسیعترین نیرو در مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی فعالیت کنیم. دیلم اردیبهشت ۱۳۹۷

کارگران و زحمتکشان...
بقیه از صفحه اول

این توده های معتبرض توی خیابان و پا بر هنگان هستند.

آمپریالیسم آمریکا آتش بیار معركه است به گفته ترامپ منافع آمریکا بخوان منافع انحصارات امپریالیستی در این است که همه جا طبق بینش و سیاست های او ردیف شود. او از جنس مسیحیت و یهودیتی است که از جنگ ادیان و نژادها پشتیبانی می کند. بر جام را که مورد توافق دولت آمریکا در زمان رئیس جمهور پیشین او باما بود با توافق کل امضا کنندگان جهانی، یک جانبی با طل اعلام می کند و تتها اسرائیل و عربستان و بحرین با او همراه می شوند. اورشلیم را که طبق تمام قراردادهای جهانی از جمله خود دولت های قبلی آمریکا مشترک بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها تصویب شد به اسرائیل محول می کند و امروز بی شرمانه طرح تجزیه ایران را روی میز رئیس جمهور دارد.

در برابر کارگران ایران که امروز بزرگترین نیروی اجتماعی هستند یک انتخاب تاریخی منطبق با دوران انقلابات جهانی موجود است، آنهم راه سوسیالیستی است. راهی که براساس طبقاتی صفت دوست دشمن را مشخص می کند و آزا دی و برابری را هدف برای کلیه ملل ایران می داند.

حزب رنجبران ایران با آگاهی از خطر امپریالیسم همچنان روی وحدت و یکی شدن کمونیست ها در پیوند با جنبش کارگری پا فشاری می کند و برای ایجاد یک بدیل سوسیالیستی که در بر گیرنده عظیم ترین نیروهای توده ها باشد برای براندازی کل نظام سرمایه داری رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند.



درگیری گرگ و شغال...
بقیه از صفحه اول

وابسته نمودن به خود جهت خرد میله های رادیو آکتیو در تولید برق رئاکتور اتمی بوشهر، دست به کارشدن.

بالاخره این گرگان جهانی توافقی به نام «برجام» (برنامه جامع اقدام مشترک) را با شغالان حاکم ایران به توافق رسیدند. بدون این که پس از آن، کلیه ای تحریمه های از میان بردارند!! علاوه بر امضا کننده گان ۶+۱ (آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین، ایران)، شورای امنیت سازمان ملل متعدد نیز به این توافقنامه رای دادند.

اما در این میان هارترین گرگ امپریالیسم آمریکا، پس از انتخاب رئیس جمهور جدید دونالد ترامپ فاشیست منش، با تحریک مستقیم روباه صهیونیستی جنگ طلب اسرائیل و دوشیدن رژیم مرتاجع عربستان سعودی، در راستای تامین منافع نفوذی خود آمریکا در خاورمیانه و اعلام خارج شدن از این توافقنامه (۲۰۱۸ مه ۰۸) و تشید تضاد بین امپریالیستهای ۵ گانه با آمریکا در مورد حفظ بر جام، ترامپ دور جدید تحریمه های اقتصادی را تدارک می بیند. اثر نا مطابقتر گذاشتن این حرکت فاشیست گونه امپریالیسم آمریکا در برهه فقر کشاندن باز هم بیشتر زنگی کارگران و زحمت کشان می تواند حتا به بروز جنگی نیابتی در ایران - نظیر جنگ در سوریه - فاجعه ای جدیدی را در منطقه خاورمیانه بیافریند.





عربی و ترکیه همdest با امپریالیستها و صهیونیستها؛

۵)- اتحاد رژیم حاکم با امپریالیسم روسیه و رژیم مرتاجع ایران علیه امپریالیسم و صهیونیسم؛

۶)- تضاد رژیم حاکم با بخشی از نیروهای داخلی و خارجی تزویریست در اتحاد با امپریالیستها و کشورهای مرتاجع منطقه؛

۸ سال پیش با بروز ظاهرات توده های مردم علیه رژیم حاکم، شروع مقاومت مسلحانه ی نظامی بخشی از اپوزیسیون رژیم حاکم وابسته به بورژوازی و خرده بورژوازی، پشتیبانی سریع نیروهای امپریالیستی و کشورهای مرتاجع منطقه از این اپوزیسیون داخلی علیه رژیم، نشان داد که اپوزیسیون وابسته به امپریالیسم به دام "انقلاب مخلی" امپریالیسم غرب در کشاندن این کشور به زیر نفوذ خود و دست یابی به میدانهای نفت و ادامه ی نفوذ خود در فتح بی قید و شرط خاورمیانه بزرگ امپریالیستهای غرب استراتژی جنگهای نیابتی را به پیش می برد. به همین علت، این بخش از امپریالیستهای مهاجم، با تسلیم به ارائه ی کمک نظامی به اپوزیسیون ارجاعی داخلی سوریه ادامه دادند و بلافاصله نیروهای مشترک کشورهای ارجاعی و امپریالیستی و مشخصاً ناتو و تزویریستهای وابسته به کشورهای مرتاجع عرب مخالف رژیم دست به کارفتح و توطئه ریزی شدند. امری که نشان داد رژیم داخلی حاکم سوریه با مقاومت در برابریاست مداخله گرانه ی امپریالیستی غرب، خیزشہای مصنوعی "بهار عربی" و استراتژی به زیرسلطه درآوردن کامل کشورهای خاورمیانه از طریق پیش روی در سوریه با شکست نهائی مواجه ساخته اند.

بدین ترتیب تضاد عده توده های مردم علیه رژیم با مداخلات مستقیم امپریالیستهای غرب و دولتهای مرتاجع هم دست با امپریالیستها و صهیونیستها و تزویریستهای دست پروردید این دولتهای جهانی و اپوزیسیون وابسته داخلی مرتاجع، شکوفا شدن خود را از دست داد، و جنگ بین رژیم سوریه و جنگ افروزان داخلی و خارجی - استقلال و یا وابسته گی - تبدیل به تضاد عده شد. رژیم حاکم سوریه به منظور قطع مداخلات امپریالیسم و صهیونیسم و کشورهای مرتاجع و به شکست کشاندن نیروهای مرتاجع عرب داعش، النھضه و غیره به نفع خود، دست طلب کمک گرفتن از متحدین امپریالیست رقیب غرب و کشور مرتاجع دیگر نظری ایران زد تا مناطق تحت اشغال دشمنانش را

عمده و تمرکز نیرو در به شکست کشاندن این دشمنان اهمیت تعیین کننده ای دارد. کلا اجرای این رهنمود دقیق کمونیسم علمی، عمل تعیین کننده ای در پیشبرد مبارزه طبقاتی و دست یابی به پیروزی توسط طبقه کارگر و توده های زحمت کش شکور می باشد. در این ارتباط امتناع از این سبک دیالکتیکی بررسی تشخیص مرحله ای در حرکت حل تضادها نتیجه ای جز افتادن به پاسیویته و یا چپ و راست زدنها سیاسی در امر عدم حل تداوم مبتکرانه ی تضادهای طبقاتی به سود طبقه کارگر بیار نخواهد آورد.

در اثبات این تحلیل در گام اول از رهنمود کمونیسم علمی آموزش زیر را بیاموزیم: "هرگاه پروسه ای حاوی تضادهای متعدد باشد، یکی از آنها ناگزیر تضاد عده خواهد بود که دارای نقش رهبری کننده و تعیین کننده است، درحالی که بقیه تضادها نقش درجه دوم و تبعی خواهند داشت. لذا در مطالعه یک پروسه مرکب که حاوی دو یا چند تضاد است، باید نهایت سعی در یافتن تضاد عده شود. به مجرد این که تضاد عده معین شد، کلیه مسایل را می توان به آسانی حل کرد. این اسلوبی است که مارکس در تحقیق جامعه سرمایه داری به ما آموخته است... هزاران دانشمند و پرatisین وجود دارند که قادر به درک این اسلوب نیستند و در نتیجه، در پیچ و خم کوره راه ها حیران و سرگردان می مانند؛ آنها از یافتن حلقه عده زنجیر ناتوان و عاجزند و از این روشت که قادر به یافتن راه حل تضادها نیستند".) مائو - آثار منتخب جلد ۱ به فارسی- اوت ۱۹۳۷ - صص ۵۰۳-۵۰۴

بررسی نمونه ی بروز جنگ بیش از ۷ ساله ای که به ویرانی کشور سوریه و نابود شدن آن و بی خانمانی ۷ تا ۱۰ میلیون نفر از توده های آواره و پناهنده منجر شده و نه تنها تضادهای درون کشوری بلکه تضادهای امپریالیستی نیز پایان این جنگ ویرانگر را با کشاندن آن به جنگ نیابتی امپریالیستی سوق داده است. در این راستا بخشی از تضادهای اساسی موجود در این کشور عبارتند از:

۱)- تضاد طبقه کارگر و توده های مردم با نظام سرمایه داری سرکوبگر حاکم؛

۲)- تضاد ملیتی و مذهبی بخشانی از مردم با رژیم حاکم؛

۳)- تضاد رژیم حاکم در مقابله با مداخلات امپریالیستهای غرب و صهیونیستها؛

۴)- تضاد رژیم حاکم با کشورهای مرتاجع

به دفاع از مردم فلسطین برخیزیم
بقیه از صفحه اول

جهان آلوده است. امپریالیست های آمریکائی، انگلیسی و فرانسوی برای یک اتهام واهمی به دولت سوریه بخاطر امکان استفاده از سلاح شیمیایی با شلیک ۱۱۰ موشک آن کشور را مورد حمله قرار دادند اما در پر ایر کشتلار ۶۳ فلسطینی بی دفاع و زخمی کردن بیش از ۱۷۰۰ حاضر به محکوم کردن لفظی آن هم نیستند. مردم جهان شناخت خوبی از این جنایتکاران بین المللی پیدا کرده اند. حزب رنجبران ایران در ۷۰ مین سالگرد روز نکبت اخراج فلسطینیان از سرزمین خودشان در ۱۵ مه ۱۹۴۸، اشغال فلسطین را شدیداً همراه با کشتارها فلسطینیان در درون کشور خودشان محکوم می کند. ضمن تسليت به خانواده های مصیب دیده عظیم فلسطینی، از همه نیروهای کمونیست و عدالت طلب می خواهد که برای دفاع از کارگران و زحمتکشان فلسطین هر چه بیشتر متحداه عمل کند و رژیم فاشیست صهیونیستی اسرائیل را محکوم نمایند.

دست دولت جنایتکار اسرائیل و امپریالیست ها از فلسطین کوتاه زنده باد جنبش انقلابی و رهائی بخش فلسطین

حزب رنجبران ایران
۲۰۱۸/۵/۱۴



تحلیل طبقاتی متکی بر تشخیص تضاد عده

شناخت دوستان و دشمنان انقلاب در هر کشور، تحلیل مشخص از تضادهای طبقاتی مختلف و مرکب موجود آن، تشخیص مادی و عینی خطرناک ترین و مهاجم ترین دشمنان عده طبقه کارگر و توده های زحمت کش در هر مرحله از تاریخ مداخلات و عمل کرد این دشمنان تاکتیک انقلابی طبقه کارگر می باشد. پس از شکست دادن دشمنان به علت وجود تضادهای متعدد، در شرایط جدید تحلیل و تشخیص دقیق دشمنان جدید

قشرو طبقه ای پیگیرانه خواست های خود را مجددا به شیوه های خود مطرح و برایش فعالیت های گسترده ای را شروع کرده اند. پرستاران به اعتراض، تحصن ها و تجمع های خود در برابر نهادهای "ذی صلاح" ادامه داده و خواهان افزایش حقوق و پرداخت حقوق های عقب مانده شدند. وضعیت پرستاران در ایران نشان می دهد که با وجود هزاران پرستار بیکار فارغ التحصیل دانشگاهی، با کمبود هزاران پرستار در این زمینه مواجهه هستیم. کار طولانی، شب کاری، عدم امنیت شغلی و حفاظتی، فاصله حقوقی، تعداد بیش از حد مقر مریض برای هر پرستار و استاندارهای کاراز جمله مشکلاتی هستند که قشر پرستارها آن درگیر است. اعتراضات پرستاران به مثابه نیروی کار در بخش خدمات همچون دیگر مزدبگران با بحران عمومی اقتصادی، عقب افتادگی حقوق و مزايا و عدم افزایش حقوق شروع شد و همچنان ادامه دارد. بعثت اینکه اکثریت پرستاران را زنان تشکیل می دهند، نابرابری حقوق و مشکلات محیط کار هم بر مشکلات دیگر کار در ایران اضافه می شود. در عین حال بعد از ساعت ها کار طاقت فرسا، آنها مجبور هستند هم بخش اصلی کار خانه را بدوش بکشند و هم نان آور خانواده شان باشند.

دولت جمهوری اسلامی در ظاهر به علت کمبود پرستار طرحهای را به نام طرح تحول و یا ارتقای باور بالینی که شامل آموزش ۱۰۰۰۰ پرستار با آموزش‌های یک ساله به نام کمک پرستار است، و نیز تعریف گذاری (برای تعیین دستمزدها برای خدمات گوناگون) ولی در حقیقت برای اختلاف بر سر حقوق بین پرستاران در طی سال های گذشته... مطرح کرده است که با اعتراض گسترده پرستاران بخاطر زیر پا گذاشتند استانداردهای آموزشی حقوق و کار از جانب دولت روپرتو شده است. اعتراضات پرستاران که بصورت تجمع مقابل نهادها و ارگان های مربوطه به بهداشت و وزارت کار و مجلس انجام شد دارای دو درخواست اساسی بودند ۱ - دریافت حقوق های عقب مانده ۲ - اصلاح سیستم پرستاری در کشور. البته این دو درخواست بخش های وسیع دیگری را هم در اجرایش در برخواهد گرفت از جمله اصلاح نظام بهداشتی کشور، اصلاح سیستم استخدامی، بیمه و بهداشت همگانی، برچیدن خصوصی سازی در امر بهداشت و درمان، برچیدن سیستم قاچاق دارو و انحصاری کردن برخی اقلام دارویی و وسائل پزشکی در اختیار

های وسیع مردم و کلا شناخت مناسبی از ماهیت امپریالیسم و نظام سرمایه داری در شکل سیاسی سلطنتی و اسلامی موجود می باشد.

لذا رهائی اکثریت عظیم استثمار شده و مستمدیده در مرحله ای انقلاب کارگری و برقراری نظام سوسیالیستی تنها دورنمایی است که مسیر پیش روی این اکثریت عظیم را به روشی نشان می دهد و برای حرکت در آن ضروری است کمونیستهای ایران با ضربه زدن قاطع علیه فرقه گرانی در تضعیف صفت متحده و یک پارچه کمونیستهای و کارگران در ایجاد حزب بالتوریته مصمم، فدآکار و متحده، مبارز و آگاه، اعتماد این اکثریت عظیم را به دست آورد.

پاسخ ندادن شایسته کمونیستها به این نیاز مبرم طبقه کارگر چیزی جز سلانه کوکانه کارگردن و بالانبردن شناخت کمونیستها از این نیاز نبوده و با عدم احترام به این واقعیت در پافشاری روی فرقه گرانی، تبلیغ همه باهم، اتحاد جنبشی مستقل و خواست گذار همه چیز از آن، بدون داشتن کیفیت تحقق خواسته ها، و غیره جزدادن قربانیان بیشتر دیگری که پیوسته ادامه داشته است، نصیبیان نخواهد شد. با چنین موضوعی به اکثریت عظیم کارگر و زحمت کش نشان خواهد داد که فرزندان انقلابی راستین مدافعان طبقه کارگر نبوده و به طور عاریتی در حفظ وضع موجود نظام غیر سوسیالیستی با جامه "خر در پوست شیر" عمل می کنند. طبقه کارگر آگاه کمونیست در مقابله با این وضع جواب شایسته ای خواهد داد که توسط زنده یاد چانباخته از زندان، مسیر حرکت کمونیستها و کارگران و توده های مردم را با روشی تأکید کرده است: چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

ک.ابراهیم
۱۳۹۷ اردیبهشت
(۲۰۱۸ مه ۶)



تداوی اعتراض و تحصن پرستاران

بعد از سرکوب جنبش دیماه ، و بگیر و بند های متعاقب آن ما نه تنها با سکوت و تسليم به این سرکوب ها روپرتو نبودیم بلکه توده های به جان آمده ، البته در ابعاد کمتر ولی شجاعانه تری به مقابله با سرکوب گران و ادامه درخواست های خود پرداختند. هر

به زیر نفوذ خود در آورد و تا کنون به موقوفیت‌های قابل ملاحظه ای دست یافته است. با این رژیم سیاست هشیارانه در اتحاد با روسیه (از اکتبر ۲۰۱۵) و جمهوری اسلامی زودتر از آن که منافعی در این مورد با آن رژیم دارند، دست به همکاری فشرده زد. در صورت قطع تجاوز امپریالیستهای غربی، صهیونیستها و نیروهای وابسته به مرتعین عرب، تضادهای جدیدی چه در رابطه با قطع دست مداخله گر دوستان متعدد رژیم حاکم و چه در ادامه ای مبارزه خواستهای ملی تبدیل به تضاد عده جدید می توانند تبدیل شوند. خط مشی انقلابی و متعدد طبقه کارگر علیه این رژیم نتوانست به مثابه تضاد عده عمل کند.

اما چنان که شاهد آن هستیم صهیونیستها و امپریالیسم آمریکا بهانه حضور نیروهای رژیم جمهوری اسلامی ایران سیاست بیرون رفتن این نیروها از سوریه را بهانه ای کرده اند که می توانند هم به مداخلات بسیار مستقیم امپریالیستی - صهیونیستی و اقماری از نوع عربستان سعودی در سوریه انجامیده و هم بهانه ای برای گسترش جنگ به سوی ایران توجیهات تجاوزگرانه را فراهم سازد.

در صورتی که کلیه ای این تغییرات به سود رژیم حاکم سوریه تمام شود، تبدیل تضادی از تضادهای فرعی تا کنونی فوق الذکر، می تواند به تضاد عده، نظیر قرارگرفتن طبقه کارگر در راس جنبشی توده ای و تحت رهبری حزب راستین کمونیستی قادر به رهبری سیاسی این حرکتها شود، عملاً حاکمیت رژیم کنونی سوریه در راس قدرت تا زمانی که این تضاد رشدی کافی نیابد، دوام خواهد آورد.

بررسی وجود تضادهای مختلف در ایران از جمله بین طبقه کارگر و توده های مردم با حاکمان، مداخلات امپریالیسم و صهیونیسم همراه با مرتعین کشورهای عربی نظر عربستان سعودی و هم نوائی اینان با اپوزیسیون بورژوائی و خرد بورژوائی داخلی (سلطنت طلب و مجاهد و ملی مذهبی ها)، در تحقیق "انقلاب مخلع" در ایران به رهبری این بخش از ضدانقلابیون جهانی و داخلی، هیئت حاکمه جمهوری اسلامی با متولی شدن به امپریالیسم روسیه که در منطقه ای نفوذ آن قرار دارد، جهت حفظ موقعیت سلطه طلب خود، سناریوی مشابه سوریه می تواند در ایران نیز تکرار شود. با این تفاوت که در صورت ایجاد حزب کمونیست انقلابی ایران با شرکت مستقیم طبقه کارگر، به دلیل رشد مبارزه طبقه کارگر و نارضائی توده

تظاهرات معلمان

هر روز که می گذرد موجی پشت موجی دیگر، متشکل، مستقل و با برنامه‌ی حساب شده‌ی، توده‌های معترض - از کارگر گرفته تا معلم و دانشجوی شهر و روستا - در سراسر ایران بر می خیزند و با هدفی هر روز مشخص تر و فشرده‌تر برای تغییر اوضاع اقدام می کنند. خواستها و تقاضاهای برآورده نشده، جایشان را به اعتراض و اعتراض داده‌اند. چنین است اوضاع کنونی جامعه بحرانی ایران. با خروج آمریکا از برجام طبق ارزیابی‌ها بر شدت و عمق بحران کنونی افزوده خواهد شد.

در جامعه‌ای که معلمان در سراسر کشور دست به اعتراض بزنند و حاکمان نتوانند هیچ یک از خواست‌های آنها را برآورده کنند، در جامعه‌ای که میلیون‌ها کارگر بیکار و میلیون‌های دیگر با کار اما مزدها پرداخت نمی‌شوند، میلیون‌ها زیر خط فقر بسر می‌برند، در جامعه‌ای که هر روز در اعتراض به وضع معیشتی خیزش اعتراضی در صد شهر صورت می‌گیرد و بالائی‌ها پاسخشان سرکوب، زندان، شکنجه و کشتار است، در چنین جامعه‌ای بی‌شک حاکمان فرمانده‌اند و درمانده و نظامشان به انتهای خط رسیده است. برای توده‌های دیگر راهی جز تغییر انقلابی باقی نمانده است.

اما تجربه این سالهای اخیر چه در ایران و چه در سطح منطقه و جهان گواه برای اینست که همه این اعتراضات، شورش‌ها و حتی انقلابات بدون وجود یک حزب مسلح به ایدئولوژی تغییر انقلابی، بدون حزبی که استخوان بندی اش در میان کارگران و زحمتکشان محکم شده باشد و در عمل قدم به قدم هر اعتراض و مبارزه توده‌ای سراسری را به پیروزی‌های تاکتیکی در برابر دشمن نرساند و توده‌ها به راستین بودن خط مشی آن باور نکرده باشند، حتی بزرگترین انقلابات هم به سر انجام پیروزمند نمی‌رسند. ما خود در ایران تجربه کرده و دیده ایم که چگونه یک دارو دسته اسلامی توانستند انقلاب را بسود نظرات خود مصادره کنند و آنرا به شکست کامل بکشانند. ما شاهد بهار عربی بودیم که با خاطر نبود بدیل هدایت کننده و تشکیلات کمونیستی همه‌ی انقلابات بسود طبقه‌ی حاکم بورژوازی و ضد مردمی تمام شدند. امروز وظیفه بس مبرمی در برابر نیروهای آگاه کارگری کمونیستی و انقلابیون



نیست بلکه موضوعی سود آور برای ارگان‌های خدمات بهداشتی است که با کادر کمتر پرستاری، بیمارهای بیشتری را تحت پوشش قرار دهد. مشکلی که باعث عدم رسیدگی و یا بوجود آمدن حوادث ناگوار در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشور می‌شود. بویژه اینکه سوداگران در این رشته با تربیت کمک پرستاران با دوره‌های کوتاه و پرخرج، از پرداخت حقوق بالاتر به پرستاران دانشگاه دیده و تحصیل کرده شانه خالی می‌کنند.

اعتراضات اخیر پرستاران کشور نشان داد که تشکلات موجود یکی نظام پرستاری و دیگری انجمن صنفی پرستاری اساساً تشکلات مستقلی که بخواهد خود را مدافع خواست‌های صنفی پرستاران نمایند، نیستند. آنها بویژه نظام پرستاری که نهاد اصلی تری در بین آنهاست صرفاً سوپاپ اطمینانی از طرف ارگان‌های بالای حکومتی برای کنترل این جنبش است. جنبش پرستاران به مثاله بخشی از جنبش کارگری و پیوند با خواست‌های خود را متشكل کرده تا بتوانند به پیش ببرند.

زنده باد همبستگی جنبش پرستاران و کارگران
خواست‌های پرستاران باید بفوریت برآورده شوند

غ.ع
اردیبهشت ۱۳۹۷

تعدادی از خودیها و سپردن آن بدست نهادهای واقعاً صالح، تامین امنیت و استانداردهای محیط کار و سطح دانش عمومی، پایان دادن به اختلاف بین نیروهای کار در رشته کار بهداشتی از جمله بین پزشکان و پرستاران، بین پرستاران و کمک پرستاران، بین مریض‌ها و خانواده‌های آنان با پرستاران و اجازه به آنان برای ایجاد تشکلهای مستقل صنفی و سیاسی خودشان، کوتاه کردن دست مدیران از دخالت در امور پرستاران در زمینه‌های شخصی و اجرای استانداردهای علمی در رابطه با خدمات بهداشتی و درمانی.

اعتراضات و تحصن‌های اخیر پرستاران کشور که به سرعت به شهرها و بخش‌های مختلف کاری آنها کشیده شد از همین استثمار، ظلم بی حد و حصری است که بر آنان روا می‌رود. حرص و طمع سرمایه داری در ایران برای اینکه از هر امکان اجتماعی کلاهی برای خود درست کند به مسئله سیستم بهداشتی هم کشیده شده است. بعلت اینکه بودجه‌های دولتی برای سیستم درمان و بهداشت در ایران به نسبت سرانه بسیار پائین است و رسیدگی و دادن خدمات به بیماران در سطحی نازل عدم نارضایتی از این مسئله به برخورد پرستاران با بیماران و یا خانواده‌هایشان کشیده می‌شود. در حالیکه پرستاران در این میان هیچ تقصیری ندارند و حتی خود مورد ظلم و ستم و استثمار بیمارستان و یا واحد درمانی خود قرار دارند. کمبود پرستار و عدم تربیت پرستاران دانشگاه دیده مشکلی در سیستم آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه پزشکی

مبارزه علیه بستن کanal تلگرام

طبق آمار اکثریت مردم ایران از رسانه‌ی تلگرام برای ارتباط جمعی، تبادل اطلاعات استفاده می‌کنند. هیچ مقامی و هیچ قانونی نمی‌تواند این حق مسلم مردم را از آنها بگیرد. باید به این دیکتاتوری سیاه مرتजان حاکم پایان داد.

دستگاه‌های امنیتی پس از خیزش صد شهر ایران، در همسوئی و هم آهنگی و شعارهای ضد نظام در جریان اوج گیری جنبش‌های خیابانی و عقب نشینی منظم و بازهم هماهنگ ناشی از سرکوب وحشیانه‌ی معترضان، آنها تازه متوجه نقش سازمانده و قدرت ارتباطات گسترده‌ی مردمی شدند و برای جلوگیری از رشد این مبارزات کشتن مبارزان را سازمان دادند. این جناحیتکاران او باش ضد مردمی همان هایی هستند که از پنجه‌های آنها خون مبارزان کمونیستی و آزادی خواه دهه‌ی شصت می‌چکد. امروز هم در روزهای خیزش تاریخی دیمای نود و شش، هزاران را دستگیر کردند، عملن تظاهرات اکثر شهرها را به خاک و خون کشاندند و طبق آمار رسمی خود بیست مبارز قیام کننده را در خیابانها کشتد. اما دستگاه‌های امنیتی و حاکمیت پی برند که این تازه گوشه کوچکی از خیزش عظیم مردمی، آتشی است زیر خاکستر که گر خواهد گرفت و دودمان دارودسته‌ی تروریست اسلامی و نظام سرمایه‌داری را که جز فقر و بردگی بیار نیاورده، خاکستر خواهد کرد. ترس چنان حاکمیت را فراگرفت، که آیت الله‌های عظامی قم را به اخطار واداشت که کاری نکنید مردم همه ما را به دریا بریزند! دارودسته‌خمینی که انقلاب عظیم توده‌های مردم علیه دیکتاتوری سلطنتی با کمک امپریالیسم آمریکا و رئیس جمهور کارتر منحرف کرند و دیکتاتوری بس شدید تر از قبل را مستقر ساختند. در این چهار دهه در همه زمینه‌ها و به دست همه گونه گرایشهای درون خودی به مرحله‌ی فرو ماندگی و گندیدگی رسیده است. امروز نه تنها تضادهای درونی حاکمیت شدیدتر شده، بلکه حتی دیگر هیچ جناحی توائی ادامه حکومت را به شیوه سابق ندارد. هرچه پیش می‌رویم نیروهای امنیتی بال پر می‌گیرند و حتی رئیس جمهور هم عجز خود را در ناتوانی اداره کشور آشکار می‌کند و به دروغ وبا تزویر می‌گوید نمی‌دانم کی کanal تلگرام را بسته است و کی

رهبری آنها یکی شدن را به امری محال در جنبش کمونیستی تبدیل کرده‌اند. کمونیست‌ها باید پرچم اتحاد و یکی شدن را با تمام مشکلاتی که موجود است بلند کنند و در این امر نمونه باشند تا جنبش معلمان، جنبش زنان، جنبش پرستاران، جنبش دانشجویی وده‌ها جنبش دیگر به گرد تعیین کننده ترین جنبش تاریخی کشورمان یعنی طبقه کارگر آگاه جمع شوند. آنوقت است که نه تنها همه اعتراض‌ها به پیروزی دست می‌یابند بلکه آینده‌ی یک جامعه دمکراتیک، سوسیالیستی با افقی روشن برای خاتمه دادن به استثمار انسان از انسان تضمین خواهد شد.

چاره‌ی رنجبران وحدت و تشکیلات است چاره‌ی کمونیست‌ها یکی شدن برای ایجاد حزب کمونیست واحد انقلابی ایران است

دیلم
اردیبهشت ۱۳۹۷



جز نوشته‌هایی که با امضای تحریریه منتشر

می‌گردد

و بیانگر نظرات

حزب رنجبران ایران
می باشد، دیگر نوشته
های مندرج در نشریه
رنجبر به امضا های فردی
است و مسئولیت آنها با
نویسنده‌گانشان می باشد.

زمان آن رسیده که کمونیست‌ها این واقعیت تاریخی را بعنوان آموزش همگانی به میان مردم برند و افکار توده‌های اعتراضی را روشن کنند که دوران انقلابات نوعی دیگر از بورژوازی که همچنان سرمایه داری سفره سلطه اجتماعی خود را پهنه کند به پایان رسیده، تنها انقلابی می‌تواند بسود اکثریت مردم باشد که برنامه سیاسی اش سوسیالیستی باشد و نظمی با مالکیت عمومی بر و سائل تولید و نه خصوصی مستقر شود. اما امروز ما با یک نیروی پراکنده‌ی چپ و کمونیستی روبرو هستیم که هر کدام ساز خود را می‌زند و پرچم سکت خود را بجای پرچم طبقه کارگر بلند کرده است. با چنین روش و جهانبینی





اشغال ۳۰٪ سرزمین سوریه
بقیه از صفحه آخر

توسط ویتنی وب، تحقیقات جهانی - ۱۷
آوریل ۲۰۱۸

پس از اینکه ایالات متحده در روز جمعه ۱۴ آوریل ۲۰۱۸ ، حملات هوایی علیه سوریه را آغاز کرد، نیکی هیلی، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد، اعلام کرد که ایالات متحده حضور غیرقانونی خود در سوریه را تا زمانیکه اهداف ایالات متحده در منطقه برآورده نشود، اشغال ایالات متحده تا زمان ناحدودی ادامه خواهد یافت.

در حالی که حضور نظامی ایالات متحده در سوریه از سال ۲۰۱۵ تاکنون ادامه دارد - به عنوان توجیهی برای مقابله با داعش - نیروهای ایالات متحده با قصور خود متعاقب شکست داعش در شمال شرقی سوریه، هم چنان به یک نیروی اشغالگر تبدیل شده اند. در حال حاضر ایالات متحده آمریکا نزدیک به یک سوم از سرزمین سوریه را اشغال کرده است - از جمله منطقه ای در شرق رودخانه فرات که در برگیرنده مناطق وسیعی از دیر الزور، الحساقه و رقه می باشد.

اگر چه ایالات متحده در حال حاضر بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سرباز مستقر در سوریه دارد، اعلام کرد که آموزش "نیروی مرزی" ۳۰ هزار نفری مرکب از کردها و اعراب متحده ایالات متحده به منظور جلوگیری از منطقه شمال شرقی سوریه است که تحت کنترل دولت مشروع سوریه قرار نگیرد. گرچه پس از واکنش شدید ترکیه تا حدی عقب نشینی کرد، اما ایالات متحده به آموزش «نیروهای محلی» در منطقه ادامه داد. منابع نظامی رو سیه قطعاً اظهار کردن که اعضای سابق داعش - که مجاز به ترک شهرهایی بودند که توسط ایالات متحده مورد حمله قرار گرفتند و نوکران نزدیک آنها همان طور که در مورد جنگ در رقه صورت گرفت - باید در میان صفوی نیروها قرار گیرند.

این واقعیت، همراه با اصرار امپریالیسم آمریکا برای حفظ اشغال گری تا زمانی که رئیس جمهور سوریه، بشار اسد از قدرت ساقط نشود، نشان می دهد که دولت ایالات متحده قصد ندارد سرزمین سوریه مجدداً به اتحاد دست یابد و به اشغال منطقه به مدت نا محدودی ادامه خواهد داد. اشغال غیر قانونی سوریه توسط دولت آمریکا به طور گسترده ای در رسانه های مستقل و شرکت های

حداکثر سود را بدست آورد. تشدید غلظت خارجی شدن استفاده از زمین بدون تولید یک گرم مواد اولیه برای صنعت ملی.

این وضعیت نشانگر وجود مستمریک دولت اپورتونیست است که از منافع سرمایه مالی بین المللی دفاع می کند و ضروری است که مبارزات کارگران و توده های مردم، متحده عمیق تر شوند، از تفرقه و پراکنگی دوری کنند تا به خواسته های مهم دست یابند و در عین حال راه را برای یک حکومت ضد امپریالیستی و محبوب و یک وضعیت انقلابی باز نمایند.

شرایط برای مبارزه رو به رشد است و مبارزات بسیار مهم در حال وقوع می باشند، با وجود وزن اپورتونیسم در جهت PIT-CNT، مبارزات انجام شده توسط اتحادیه های مختلف، جایی که اعتراضات، سازماندهی مبارزات در مشاغل کشاورزی و مراکز کار در بخش کارگران، اتحادیه های شرکت های بزرگ دولتی ساخت و برق، علیه خصوصی سازی و تعطیل شدن کشاورزی، توسط اتحادیه های FANCAP و AUTE، در این روزها بر جسته می شود. در این چند روز از ایجاد شورای حقوق بازنیستگی و تعریف دولت از مسؤولیت پذیری سخن میرود.

طبقه کارگر و توده های مردم به یک دولت جهت تغییرات عمیق نیاز دارند، و همانطور که اتحادیه مردمی در برنامه خود پیشنهاد کرده، بدھی های خارجی را متوقف کرده و حسابرسی آن را تعیین می کند، ملی کردن بانکداری و تجارت

خارجی برای اجرای اصلاحات ارضی با سلب مالکیت بزرگ و دفاع و توسعه صنایع ملی که حداقل دستمزد ملی را به نیمی از سبد خانواده و سایر نقاط دیگر برنامه محبوب تبدیل می کند.

در این رابطه حزب ما روزانه در اتحادیه های صنفی طبقه کارگر، اتحادیه های دانشجویی، سازمان های اجتماعی و جبهه متحده کار می کند که دوازدهمین سالگرد خود را در هشتمین نشست ملی مبارزین در ۴/۲۸ برگزار می کند.

پیش بسوی ارتقاء مبارزات طبقه کارگر

بین المللی و سازمان یابی جهانی آن !
با یاد جان باختگان! زنده باد اول ماه مه ریکاردو کوهن

مسئول است و اقرار می کند که جو امنیتی دست بالا را دارد. جرات به مبارزه را، جراتی که مردمان سلحشور دیمه، بهترین فرزندان پیشتر انقلاب در حال شدن در عمل از خود نشان دادند باید پرچمی سرخ در مبارزه جاری برای پس گرفتن حق مسلم مردمی به دست گرفت.

هر انقلابی طبق شرائط مشخص زمانی و مکانی خودش شیوه ها و شعارهای خودش را داشته است. کمونیست ها و مبارزان آگاه وظیفه دارند با حرکت از خواست مردم توده ها و تمایل آنها به عمل اعتراضی و شیوه های عملی تشکیلاتی را برای پیشروی به جلو باز کنند. امروز حق استفاده از وسیله ارتباطی تلگرام یک مسئلله عمومی مردم است و وظیفه کلیه احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست است در پیشایش صفوی مردم برای بازپس گرفتن این حق دمکراتیک و مسلمان مبارزه کنند. این در عین حال مبارزه ایست علیه دستگاه های امنیتی که راس نظام آنرا برای سرکوب مبارزان در این سال ها بکار برده است

دیلم

۱۳۹۷/۲/۱۵



در جنبش جهانی کمونیستی بقیه از صفحه آخر

سقف افزایش دستمزد در بخش خصوصی، در شوراهای حقوق و دستمزد تعیین شده توسط دولت، همراه با اعلام اصلاح مالی، که قطعاً نیز کاهش حقوق و دستمزد در بخش دولتی را کم و بیش پنهان، به همراه دارد؛ و باید با آن بطور جدی مبارزه شود. در بخش کشاورزی، بحران وجود داشته، بسیج در سطح ملی ایجاد شده است، اما همانطور که چند سال پیش شاهد آن بوده ایم و خود اقتصاددان Astori هر روز باید آنرا انکار کند. تولید کنندگان کوچک و متوجه همچنان به ذوب شدن ادامه می دهند و به ۱۲۰۰۰ نفر در دهه گذشته کاهش یافته اند و ما باید هزاران نفر دیگر را اضافه کنیم و در حالی که دولت سیاست خود را برای حمایت از سرمایه بزرگ و سرمایه گذاری های انحصاری کشورهای امپریالیستی، مانند UPM، که همه انواع معافیت ها و امتیازات بی سابقه ای مانند مناطق آزاد، بنادر، زیرساخت ها و غیره را دریافت می کند تا از طریق تخریب منابع طبیعی کشور،

شرکت غول پیکر نفت و گاز آمریکائی به نام کوناکو فیلیپس ساخته شده بود، که این کارخانه تا سال ۲۰۰۵ کار می کرد و پس از تحریم های دولت بوش در سوریه کارائی خود را از دست داد. سایر شرکتهای نفتی دیگر مانند شل نیز به دلیل تحریم ها سوریه را ترک کردند.

ایالات متحده که در حال حاضر منطقه را اشغال می کند، نفت و گاز تولید شده این منطقه را هم اکنون به نفع شرکتهای انژرژی آمریکائی مبدل کرده است که تراپم و دولت او روابط متعددی با این شرکتها دارند. به گفته یعنی شفق، ایالات متحده همراه با سعودی ها، مصر و مقامات کرد، جلساتی را برگزار کردن تا تصمیم بگیرند که سوخت های فسیلی که در این منطقه استخراج شده، سهم قابل ملاحظه ای از این سودها به کردها داده شود. گفته می شود که کردها از سال ۲۰۱۵ به بعد ماهانه ۱۰ میلیون دلار درآمد نفتی داشتند. کردستان سوریه نفت خود را به کردستان عراق صادر می کند، که به راحتی آن را در مرز مشترک تصفیه می کنند و سپس در ترکیه به فروش می رسد. اگر چه هیچ شرکتی بطور عمومی در گیر نیست، معامله بین کردهای سوریه و کردهای عراق توسط «کارشناسان نفتی» بی نام و «سرمایه گذاران نفتی» بی نام، دلالی می شود. کردها در سوریه و عراق حتی شخصاً این توافق نامه را امضا نکردند. آنها بعداً از توافقنامه توسط ایالات متحده «مطلع» شدند و به آنها دستور داده شد که در عملیات نظارت کنند.

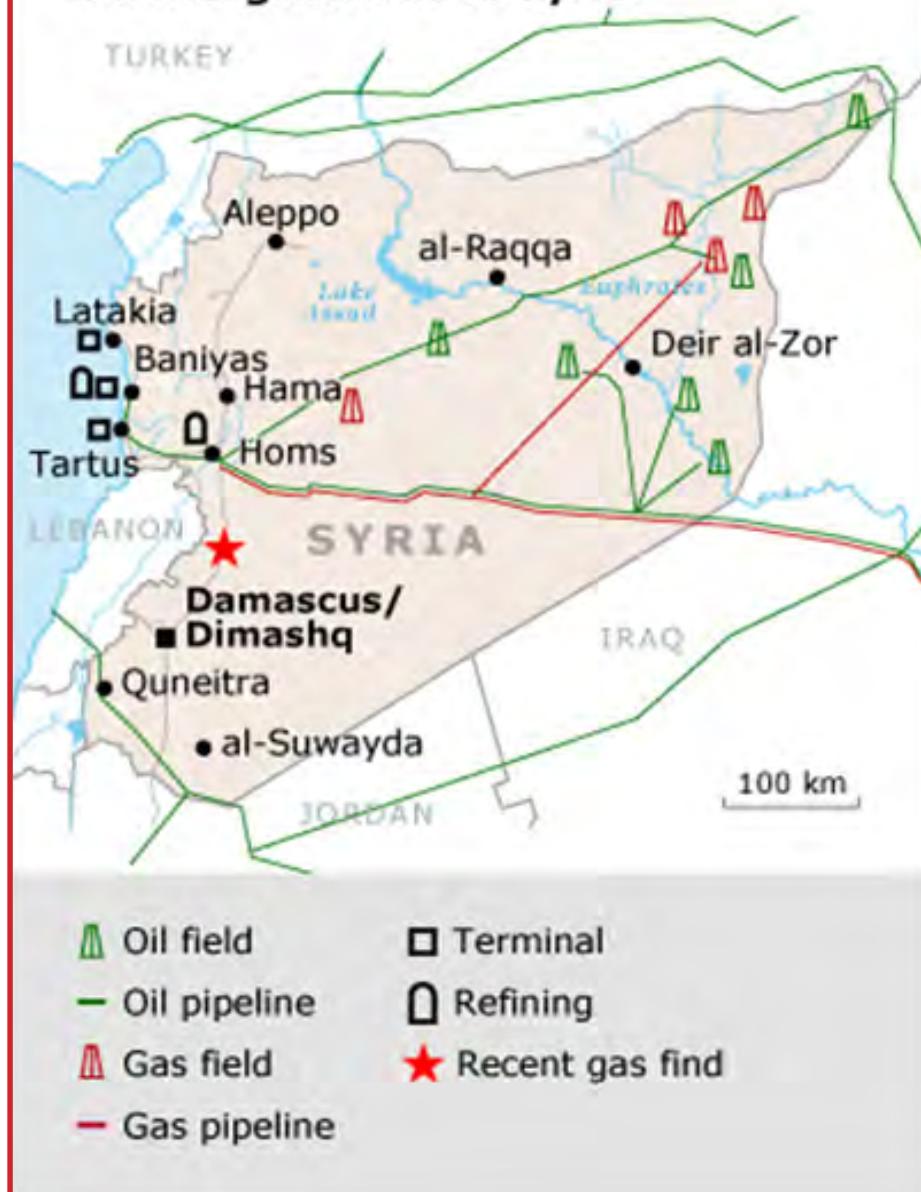
یک منع در دولت منطقه ای کردستان عراق گفت: «با توجه به جنوب کردستان، این یک شرکت بود و نه دولت منطقه ای کردستان، که این معامله را امضا کرد، و این [شرکت] است که بطور مستقیم نقدینه را ماهانه می پردازد.» با توجه به اینکه بیش از ۸۰ شرکت خارجی در تجارت نفت دولت منطقه ای کردستان دست دارند، اکثر آنها وابسته به ایالات متحده هستند، ما به جرات می توانیم فرض کنیم که بسیاری از این بازیکنان مشابه هم چنین در توسعه تجارت نفت کردستان سوریه نیز دست داشتند.

منافع عده شرکتها

ارتباطات بیشمار دولت تراپم با صنعت نفت ایالات متحده، این اتحاد را روشن می کند. رکس تیلرسون، وزیر سابق امور خارجه، که در ماه مارس اخراج شد، قبل مدیر اجرایی شرکت اکسان موبیل بود، یک قرارداد نفتی یک جانبه بدون اطلاع دولت عراق با کردهای عراق منعقد کرد و

بنزین و گاز سوریه را شامل می شود، از قبیل از وقوع جنگ، این منابع روزانه ۳۸۷ هزار بشکه نفت و ۷.۸ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی سالانه تولید می کرند، و برای دولت سوریه این منابع اهمیت بسیار زیادی داشتند. معذا، بطور قابل توجهی، تقریباً تمام ذخایر نفت موجود سوریه - حدود دو و نیم میلیارد بشکه تخمين زده می شود - در منطقه ای که در حال حاضر توسط دولت ایالات متحده اشغال شده است، قرار دارد. علاوه بر بزرگترین میدان نفتی سوریه، امپریالیسم آمریکا و نوکران نزدیک آن در شمال شرقی سوریه، هم چنین کنترل کارخانه گاز کوناکو، بزرگترین کارخانه تولیدی کشور را نیز در اختیار دارند. این کارخانه که می تواند تقریباً ۵۰ میلیون فوت مکعب گاز در روز تولید کند، در ابتداء توسط کنترل ذخایر سوخت فسیلی و ادامه این روند شمال شرق سوریه به دلیل منابع طبیعی غنی اش، به ویژه سوخت های فسیلی به شکل گاز طبیعی و نفت، یک منطقه مهم است. در واقع، این منطقه ۹۵ درصد از کل پتانسیل

Oil and gasfields in Syria





در خاور میانه هدف قرار دادن کنترل قلمرو و تلاش برای تقسیم کردن کشورها به منظور ایمن سازی راه های حمل و نقل برای نفت و گاز است. در سوریه چنین برنامه هایی برای تقسیم بندی از سالهای ۱۹۴۰ تاکنون بوده است، یعنی از زمانی که منافع نفتی اروپا در شمال شرقی سوریه شروع به رشد کرد. از آن به بعد، چندین کشور تلاش کردند بخش هایی از شمال سوریه را اشغال کنند تا کنترل امن منطقه را برای اهداف استراتژیک، از جمله ترکیه و عراق و علاوه بر قدرتهای غربی تحت کنترل خود در آورند.

یک خط لوله مهم در حال حاضر در شمال شرقی سوریه وجود دارد که میدانهای نفت سوریه را به خط لوله جهان - کرکوک متصل می کند. اگرچه این خط لوله در سال ۲۰۱۴ آسیب جدی را متحمل شد، اما طرح هایی هست که قصد دارد آن را بازسازی کند یا یک خط لوله جدید در کنار آن ایجاد کند. بنابراین، شمال شرقی سوریه هم چنین دارای زیر ساختهای صادرات نفت می باشد که می تواند به راحتی کمک به نفت سوریه برای انتقال به ترکیه و سپس به بازار اروپا بکند. علاوه بر این، کشمکش در سوریه - که هم اکنون در سال هفتم می باشد - بخشی از آن به عنوان یک نتیجه از درگیری های طرح پیشنهادی دو خط لوله که برای عبور از طریق سوریه بود، آغاز شد. سوریه، نه چنان زمانی قبل از این که از طرف نزدیکان بودجه خارجی کشور را تحت محاصره قرار دهنده. پیشنهاد

حق انحصاری برای تولید نفت و گاز در مناطق سوریه تحت کنترل دولت سوریه را خواهد داشت.

از سال ۲۰۱۴، ایالات متحده به شدت تلاش کرده است تا بخش سوخت فسیلی روسیه را محدود کند، به خصوص صادرات این کشور به اروپا را و جایگزینی روسیه با سوخت های فسیلی تولید شده در ایالات متحده. همانطور که جان بوئنر، رئیس سابق مجلس نمایندگان در سال ۲۰۱۴ نوشت: «توانائی تغییر شرایط کنونی به نفع ما و قرار دادن پوئین تحت کنترل ما، در غالب ذخایر گسترده انرژی طبیعی ما نهفته است».

پذیرفتن تقویت بخش سوخت فسیلی روسیه، چه در سوریه و چه در جاهای دیگر، به اهداف استراتژیک ایالات متحده صدمه وارد می سازد، یعنی به مجموعه نهائی ترازنامه شرکتها و چشم انداز ایالات متحده برای حفظ یک جهان یک قطبی با هر هزینه ای، موقعیت: نقشه های خط لوله و تحمل صفر با بازی با روسیه علاوه بر منابع سوخت فسیلی آن، موقعیت استراتژیک سوریه باعث می شود تا جاری شدن منطقه ای هیدروکربن ها بسیار مهم باشد. دارا بودن بخش شمال شرقی سوریه تحت کنترل ایالات متحده و نزدیکان آن می تواند تأثیر مهمی بر خطوط لوله های موجود و آینده داشته باشد. همانطور که نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۳ اشاره کرد، « منطقه یا موقعیت برجسته به همین دلیل، اکثر سیاستهای ایالات متحده

ابراز علاقه به منظور توسعه منافع نفت سوریه که در بخشی از کشور که در حال حاضر توسط ایالات متحده اشغال شده است، کرده است.

إکسان موبیل نیز در خط لوله پیشنهادی قطر سهم عمده ای داشت که عدم پذیرش آن توسط اسد عامل مهمی در آغاز تجاوز در سوریه بود. ترامپ خودش، قبل از تصویب ریاست جمهوری، هم چنین سرمایه گزاریهای عظیمی در إکسان موبیل داشت - هم چنین در ۱۱ شرکت نفت و گاز دیگر، به انصمام شرکت توtal، کاتوکا فیلیپس، بی اچ پی و شورون سرمایه گذاری دارد.

علاوه بر این، اگرچه تیلرسون اکنون اخراج شده است، جایگزینی او، مایک پامپئو، به همان اندازه یکی از آغازده های همdest دیگری برای صنعت نفت و گاز ایالات متحده است. مایک پامپئو «وصول کننده شماره یک هر زمان» از صنایع کوک (۱) می باشد، که دارای منافع متعددی در اکتشاف نفت و گاز، حفاری، خطوط لوله و پالایش سوخت فسیلی است.

در حالی که اشغال سوریه توسط امپریالیسم آمریکا بدون شک انگیزه ای برای خواست بهره برداری از منابع نفت و گاز منطقه برای خود است، امتناع ایالات متحده برای ترک منطقه نیز از نگرانی است که ایالات متحده از رقیب اصلی خود، روسیه دارد، چون روسیه، ثروت نفت و گاز در شمال شرق سوریه را به اشغال خود در خواهد آورد. در واقع، طبق یک چارچوب همکاری انرژی که در ماه ژانویه امضا شده، روسیه



منطقه با اعراب، به ویژه با کسانی که از متحдан یا در گذشته بخشی از گروه های وهابی وابسته به عربستان سعودی بودند، به منظور ایجاد یک محاصره تحت کنترل عربستان که می تواند در سالهای آینده برای بی ثبات کردن مناطق تحت کنترل دولت سوریه مورد استفاده قرار گیرد. این ناحیه به مانند استان ادلب تنظیم شده است، که اساساً یک محاصره برای تروریست های وهابی است.

طرح ایالات متحده برای ایجاد یک سرزمین محسور وهابی در شمال شرقی سوریه بطور مستقیم در گزارش آژانس اطلاعاتی امنیتی (۳) از سال ۲۰۰۲ ارجاع شده است. این گزارش اظهار داشت:

«کشورهای غربی، کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه که از اپوزیسیون سوریه دفاع می کنند... امکان ایجاد یک قلمرو اعلام شده یا اعلام نشده سلفیستی در شرق سوریه (ایساکا و دیرالزور) (۴)، و این دقیقاً چیزی است که قدرتهای حمایت کننده اپوزیسیون می خواهند، به منظور منفرد کردن دولت سوریه»....(نوشتن با حروف تأکید شده اصیل) علیرغم شکست داعش، حضور آنها در شمال شرق سوریه، به عنوان آژانس اطلاعاتی امنیتی نشان می دهد، که بهانه ایست برای کنترل منطقه توسط نیروی خارجی. شترنج تقسیم بندی: تفکر دو حرکت به جلو این که آیا سعودی ها یا کردها در نهایت بر بخشی از سوریه که هم اکنون در اشغال ایالات متحده است، غالب می شوند، موضوع اصلی نیست. هدف اصلی ایالات متحده در تسخیر منطقه شمال شرقی سوریه، جزء اهداف بلند مدت این امپریالیسم برای تکه تکه کردن سوریه می باشد، که به موجب آن بطور دائم شمال شرق کشور را از بقیه کشور جدا کند.

در سرتاسر بحران سوریه، دولت ایالات متحده بارها تلاش کرده است تا تقسیم بندی را به عموم بقیوالاند، و استدلال می کند که تقسیم بندی "تنها" راه حل برای جلوگیری از کشمکش «فرقه ای» در سوریه می باشد. معهذا، این فرقه گرائی بطور خودخواهانه و بد بینانه مهندسی شده و تخریب شده توسط قدرتهای خارجی صورت گرفته تا دقیقاً کشمکش رایج کنونی را در سوریه ایجاد کنند و در نهایت تکه کردن سوریه را توجیه کنند.

ویکیلیکس آشکار ساخت که سازمان جاسوسی "سیا" از اوایل ماه مارس ۲۰۱۱، در بر انگیختن تظاهرات ضد اسد و فرقه گرائی در گیر بود. اسناد غیر محرمانه

قبل از این کشمکش ها، به منظور آوردن زیر ساختهای آبیاری سوریه به شدت در این منطقه سرمایه گذاری کرد تا علی رغم خشکسالی های منطقه امکان پذیر شدن کشاورزی ادامه یابد. بخش عده ای از این زیر ساختهای آبیاری توسط سد اشغال شده تبکا تامین می شود که آب زراعی را برای ۰۵۰ مایل مربع از زمین های کشاورزی را فراهم می سازد.

طرح بازی برای اشغال، جداسازی
بر خلاف منابع سوخت فسیلی شمال شرق، ایالات متحده انتظار ندارد که از منابع آب و منابع کشاورزی منطقه چیزی عایدش گردد در عوض، مصلحت استراتژی وجود دارد و دو هدف اصلی دارد.

اول، کنترل برای منابع - به ویژه آب و جریان رودخانه فرات - به ایالات متحده یک مزیت کلیدی می دهد که می تواند در بی ثبات سازی سوریه استفاده کند. به عنوان مثال، ایالات متحده می تواند به راحتی آب و برق در بخش های تحت کنترل دولت اسد را به منظور فشار بر دولت و غیر نظامیان سوریه قطع کند.

اگر چه اقداماتی از این نوع علیه غیر نظامیان جنایات جنگی محسوب می شود، ایالات متحده پیش از این از چنین تاکتیک هایی در سوریه استفاده کرده است، مانند نبرد برای رقه، زمانی که منبع آبرسانی به شهر را متوقف می سازد تا نوکران نزدیک ایالات متحده کنترل شهر را از دست داعش خارج سازند. کشورهای دیگری همچون ترکیه دو بار در جریان بحران سوریه جریان آب رودخانه فرات را به منظور کسب مزیت استراتژیک قطع کردند.

با کنترل بسیاری از زمین های کشاورزی و آب کشور- البته بدون اشاره به منابع سوخت فسیلی آن - اشغال ایالات متحده نه تنها هدف خود را به منظور بی ثبات کردن دولت سوریه با محروم کردن این کشور از درآمدش انجام می دهد؛ هم چنین از درگیریهای گسترده تری از سوریه و متحدان آن که مشتاق جلوگیری از یک اشغال دراز مدت دیگر توسط ایالات متحده در خاورمیانه و ادعای مجدد سرزمین شرق کشور را از تسخیر کوه عنان از چنگ نیروهای داعش (هم چنانکه در عکس بالا نشان می دهد) از بالای کوه که سد تشرین در معرض دید قرار دارد. این منطقه در جنوب کوبانی می باشد، سوریه -

دوم راه دیگر ایالات متحده در بی ثبات کردن سوریه: از طریق اشغال شمال شرقی دارد، برنامه ای است که سعودی ها را وادار به بازسازی بیشتر منطقه می کند. گرچه ایالات متحده در ابتدا خود را کردها در شمال شرق سوریه متحد کرد، مخالفت با ترکیه موجب شد و اشنگن بیشتر به کار در

آمریکائی که نفت را از قطر به اروپا جاری شود به نفع پیشنهاد روسیه است که این گاز طبیعی از ایران سرچشمه می گیرد را رد کرد. گرچه این پیشنهادات خط لوله دیگر در شکل دهی انگیزه ها قادر نمند نیستند، هم چنان که آنها در گذشته بودند - بطور عده به دلیل شکاف بین قطر با سایر شیخ نشین های خلیج و بهبود روابط با ایران - بخش شمال شرقی سوریه همچنان در قبال اهداف ایالات متحده نقش اساسی ایفا می کند. بر اساس انتشار نشریه آلمانی (۲)، ایالات متحده با هدف نهایی تامین نفت به اروپا، با طرح های خود که یک خط لوله جدید از خلیج فارس به شمال عراق و به ترکیه و از طریق شمال شرقی سوریه است را توسعه داده است. روسیه به خاطر اهداف خود، مخالف این طرح می باشد، زیرا هدف روسیه صادرات سوداوار سوخت های فسیلی به اروپاست.

آب و سرزمین

به غیر از سوخت های فسیلی و خطوط لوله، شمال شرقی سوریه دارای یک چنین مزیت دیگر از لحاظ منابع است. یکی از مهم ترین این مزیت ها آب می باشد - یک منبع مهم در خاور میانه. بخش تحت کنترل ایالات متحده در سوریه به سه تا از بزرگترین ذخایر آب شیرین کشور که توسط رودخانه فرات تغذیه می شود، قرار دارد.

یکی از آن مخازن که اکنون توسط ایالات متحده و نوکران نزدیک آن کنترل می شود، دریاچه اسد است که بزرگترین مخزن آب شیرین کشور می باشد و اکثر آب آشامیدنی حلب را که تحت کنترل دولت اسد است، تامین می کند. این رودخانه هم چنین بخش بزرگی از نیروی الکتریسیته که توسط سد تبکا تولید می شود را تامین می کند که هم چنین در قلمرو اشغالی قرار گرفته است. یکی دیگر از نیروگاه های برق آبی (هیدرولکتریک) مهم در سد تشرین واقع شده است و هم چنین توسط نیروهای نزدیک تحت حمایت ایالات متحده کنترل می شود.

جنگ جویان کرد پس از تسخیر کوه عنان از چنگ نیروهای داعش (هم چنانکه در عکس بالا نشان می دهد) از بالای کوه که سد تشرین در معرض دید قرار دارد. این منطقه در جنوب کوبانی می باشد، سوریه - ۲۷ دسامبر ۱۵۰ (عکس: از روی سعید)

علاوه بر منابع آب فراوان این منطقه، شمال شرقی سوریه نیز نزدیک به ۶۰ درصد از زمین های کشاورزی سوریه را شامل می شود، که یکی از منابع مهم در زمینه پایداری و استقلال مواد غذایی سوریه است.



دروغ برنامه ریزی کردند. باحیله مجدد وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق - علیرغم تکذیب آن توسط بازرسان سازمان ملل - تجاوز نظامی حاکمان نو محافظه کار آمریکا به عراق(۲۰۰۳) سازمان داده شد. امروز نیز تشدید تضاد منافع بین امپریالیستهای شرق و غرب - مشخصاً بین آمریکا با روسیه رقیب یکدیگر - دروغ مسموم کردن یک جاسوس دوجانبه روسیه و انگلیس و دخترش توسط روسها را با کمک امپریالیسم انگلیس به بحران جدی دیپلماتیک مبدل نمودند. سپس بالاستفاده ای مشکوک از روش گرفتار نمودن کودکان با گاز ضد تفسی شیمیائی توسط نیروهای تروریستی در شرایطی که پیش روی ارتش سوریه آنان را به هزیمت و شکست از منطقه کشانده بود، امپریالیستهای آمریکا، انگلیس و فرانسه با نسبت دادن دروغین آن به ارتش سوریه علیه مردم، جنگ سرد گذشتند را به سطح بالاتر جنگ ولرم دخالت مستقیم جنگی در تجاوز به سوریه ارتقاء دادند. راه اندازی جریان تروریستی داعش از جمله با پسیج عده ای در کشورهای اروپائی به زیر رهبری ابو بکر البغدادی نمونه‌ی دیگری به زیر سلطه در آوردن خاورمیانه و غیره به منظور حکمرانی بر جهانیان را خونسردانه به اجرا درمی‌آورند.

پدیده‌ی فریب و ریا در کشورهای عقب مانده نیز مشخصاً توسط هیئت حاکمه از جمله در ایران با دروغ پردازیهای مشابهی، هیچگاه قطع نشده است. اینان شیره مالیدن به سر مردم را پیوسته اتخاذ کرده و به کاربرده اند. به طوری که در جریان مبارزه کارگران و زحمت کشان علیه رژیم سلطنتی - «شاه سایه‌ی خدا است» - و نیروهای مدافع حاکمیت اسلامی- با پیش کشیدن شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» و «مرگ بر آمریکا» - خود را مخالف با آمریکا معرفی کردند. در حالی که در همان ایام مخفیانه و قبل از دست یابی به قدرت دولتی در مذاکره و سازش با امپریالیسم آمریکا توانستند بر سرضیت با کمونیسم و حفظ نظام سرمایه داری، ارتش و استه رژیم سلطنتی را به کمک امپریالیسم منفعل ساخته، و در پناه این شعار «ارتش برادر ماست» دروغین و گول زدن توده های مردم در راس قدرت دولتی ایران قرار بگیرند. خمینی به مردم قول داد که به جرگه طلبه‌ها در قم می‌پیوندد، و مسئله اش قرار گرفتن در راس قدرت دولتی نیست. اما ان قول بیشتر از یک ماه طول نکشید. با دروغ دیگر مجانی کردن بهای

به پیمان بین دول سوریه و ایران و هم‌چنین توافق دفاع دو جانبه آنها، اشغال این سرزمین به منظور تضعیف هر دو کشور لازم است و یک پیش درآمد کلیدی برای دولت ترامپ که طرح دارد تا ایران را منزوی باز کارهای ایران برای بیاندازد، می‌باشد. با گزارشات داخلی هشدار در مورد رو به تضعیف ایالات متحده به عنوان «تتها ابر قدرت جهان»، ایالات متحده قصد خروج از سوریه را ندارد، چرا که این کشور بیشتر و بیشتر فرومانده برای حفظ نفوذ خود در منطقه و هم‌چنین حفظ نفوذ شرکتها که بیشترین سود و مزایا را از امپراتوری ایالات متحده می‌برند را حس می‌کند.

شده سازمان "سیا" نشان می‌دهد که طرح فرقه گرایی بطور مستقیم مهندسی شده به منظور اعمال تقسیم بندی سوریه و تضعیف دولت اسد بر می‌گردد به حد اقل سالهای ۱۹۸۰. ایده تقسیم بندی نیز بارها و بارهای توسط دولت او باما جار زده می‌شد که در واقع چندین بار اظهار داشت که «ممکن است خیلی دیر شده باشد» تا سوریه بتواند کل کشور را حفظ کند.

اگر چه دولت او باما آمد و رفت، است، به لطف انتساب اخیر جان بولتون به سمت مشاور امنیتی ملی، دولت ترامپ نیز برای تحملی این تقسیم بندی فشار می‌آورد.

همان طورکه مینیت پرس اخیراً گزارش

داد، جان بولتون از مدت‌ها قبل، از ترکیب شمال شرقی سوریه با شمال غربی عراق برای ایجاد یک کشور جدید که بولتون آنرا «سونیستان» (۵) نامیده است، که بر منابع سوخت فسیلی دو کشور و از تامین منابع کلیدی آب و کشاورزی منطقه برای حفظ جمعیت غلبه خواهد کرد، صحبت می‌کرد. بولتون از کشورهای عربی خلیج فارس مانند عربستان سعودی خواست تا این منطقه را تامین مالی کند - از این جهت، تلاش های اخیر دولت ترامپ برای مذاکره به منظور "معامله" با سعودی‌ها که آنها کنترل بخش اشغال شده ایالات متحده در سوریه را بپذیرند، و در صورتیکه آنها موافقت کنند، ۴ میلیارد دلار نیز بابت بازسازی بپردازند.

هدف ایران است

در حالی که کنترل منابع کلیدی برای تقسیم سوریه و بی ثبات کردن دولت در دمشق صورت می‌گیرد، هدف اصلی ایالات متحده در اشغال مناطق نفت خیز و آب غنی سوریه، ایران است. همانطورکه شرکت اطلاعاتی استراقور، مستقر در ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ اشاره کرد، کنترل منطقه شمال شرقی سوریه باعث می‌شود مسیر زمینی بین سوریه و ایران و همچنین مسیر زمینی بین ایران و لبنان را پیچیده تر کند. در ماه ژانویه، تیلسون این هدف را روشن کرد. تیلسون در سخنرانی در دانشگاه استنفورد خاطر نشان کرد که «کاهاش» نفوذ ایران در سوریه، یک هدف کلیدی برای ایالات متحده و دلیل عدمه اشغال آن در شمال شرق سوریه است.

با قطع مسیر بین تهران و دمشق، ایالات متحده به مقدار قابل توجهی «محور مقاومت» منطقه را بی ثبات، محاصره و تضعیف می‌کند - همراه با متحدین منطقه ای خود - و خواهد توانست نفوذ و کنترل منطقه ای خود را تا حد زیادی افزایش دهد. با توجه

- 1 – Koch Industries
- 2 - Deutsche Wirtschafts Nachrichten
- 3 - Defense Intelligence Agency (DIA)
- 4 – Hasaka and Der Zor
- 5 – Sunnistan



دو روش متضاد در مبارزه طبقات متخصص
با یکدیگر! بقیه از صفحه آخر

کشورهای عقب مانده هستیم که بیشتر از هر زمان گذشته تا بدان جا پیش رفته اند که مرز بین درست و نادرست را با تمام توان خود مخدوش نموده و این دروغها را به عنوان نکات درست و واقعی تجاوزات و حشیانه‌ای سازمان داده اند. از جمله برنامه‌ی توجیه گسترش تجاوزات بربر منشانه به خاورمیانه را با بال و پر دادن جریان تروریستی القاعده از یک سو و نسبت دادن به حملات هوائی آنان به دو آسمان خراش وال استریت نیویورک، از سوی دیگر، زمینه را برای تجاوزات نئوکانهای حاکم آمریکا با حمله نظامی به افغانستان (۲۰۰۱) و اشغال این کشور تا به امروز را با این

از تجارت انقلابی به دست آمده در دوره کوتاهی از حیات مبارزانی پر شرخود در خدمت به ایجاد حزب و تشکلهای توده ای کارگران پاکشای نمود، اکنون وظیفه‌ی کمونیستهاست که باید نشان دهد از نظرات علمی کارگران کمونیست آگاه می‌آموزند و در ایجاد حزب کمونیست انقلابی واحد ایران به آن عمل می‌کنند؟

اما در میان بسیاری از نیروهای چپ جدا از طبقه کارگر، نه تنها به اجرای رهنماهی کمونیسم علمی خود را موظف نمی‌دانند، بلکه از دستاوردهای انقلابی طبقه کارگر در کسب قدرت و ساختمان سوسيالیسم در قرون گذشته نیز دفاع نکرده و در موضوع مشابه دشمنانه ای ایستاده اند که نظام جهانی سرمایه داری درنفی این دستاوردها دروغهای ساختارسیاه نمائی را علیه انقلابهای سوسيالیستی و دمکراتیک نوین تحت رهبری حزب کمونیست و دست آوردهای سوسيالیسم پخش کرده اند.

گرچه نمونه‌های فراوانی در این مورد موجود است که ذکر آنان به قول معروف مثنوی ۷۰ من کاغذ می‌شود، ولی باید تأکید نمود که دروغهای امپریالیستها و کمونیستهای منحرف درنفی دستاوردهای کمونیستها و طبقه کارگر، صدمه بزرگی به اعتبار جنبش آگاه کمونیستی و انقلاب کارگری و ساختمان سوسيالیستی تا بدان حد زده اند که نظام سرمایه داری توanstه است با وجود به راه اندختن جنایات عظیم خود را آخرین مرحله‌ی رهانی بشریت معرفی کند و تفرقه‌گری در میان جنبش کارگری را به بحران هویتی بزرگی تبدیل نماید.

(۳)- در حالی که ندای رسای پیشروان طبقه کارگر مبرم بودن ایجاد حزب کمونیست در ایران در دهه‌ی اخیر توسط شاهرخ زمانی به گوش همه رسیده، اما جماعتی برخاسته از میان طبقه کارگر و با ادعای یافتن مرض تفرقه و پراکنده‌ی، تئوری جدیدی را نه در پیاده کردن نظرات شاهرخ و اصول کمونیسم علمی بلکه در شروع از صفر، با طرح تجمع «بدون شرط و شروط گذاشتن برای هیچ کس و پذیرش بستر سازی» برای تدارک ایجاد حزب و برای ساخته شدن آن «یک قدم عقب تر از ایجاد حزب برداشت» را پیش کشیده، مبارزه‌ی اصولی و علمی را کنار گذاشته و خط بطلان به تجارت گذشته پیروز علمی طبقه کارگر و کمونیستها زده و دلیلی هم که ارائه می‌شود این است که «وجود اصول و برنامه و تاکتیک در ایجاد حزب» روش درستی نیست و در ۸۰ سال اخیر هم این کار غلط

مبارزات درگرو محکم به دست گرفتن این تئوری و پیاده کردن آن در شرایط عملی هرکشور می‌باشد.

آیا این دستاوردهای علمی طبقه کارگر از جمله در ایران به کاربسته شد؟ یا با نفوذ برخورد غیر مسئولانه به این اصول و گرویدن به دروغ پردازیهای غیر پرولتری به خصوص

توسط رهبری تشکلهای که خود را کمونیست می‌پندازند، به روند فرقه‌گرانی و خود مرکز بینی و تضعیف صفت متحد و

مبادرز واحد طبقه کارگران جمیده است:

(۱)- آیا کمونیسم علمی، رهنماه ایجاد احزاب مختلف کمونیست در یک کشور و از جمله در ایران را توصیه کرده یا نه؟ و اگرنه، چرا تشکیل دهنده گان این تشکلها از اصول کمونیستی به بی راهه‌های ناکجا آباد ترسیم شده توسط بورژوازی و خرد بورژوازی کشانده شده اند؟ جواب مسلماً این است که پیاده کردن پلورالیسم حزبی بزرگترین سرگردانی را در این طیف از نیروها به وجود آورده است.

عدم اعتماد طبقه کارگر و توده‌های رحمت کش به این احزاب و تشکلها در ایران نشانی است از هشیاری طبقاتی کارگران، که این رخ داد نشان داد که نمونه‌ی عدم اجرای رهنماه حزبی کمونیسم علمی، تحمل فرقه‌گرانی به جای ایجاد وحدت نظری و عملی تشکیلاتی و رهبری فهیم و توانا در پیوند و شرکت فعلی کارگران کمونیست، کج راه غیر کارگری و غیر کمونیستی می‌باشد.

چنین روش بیگانه از رهنماه کمونیسم علمی در پرایتیک مبارزاتی طبقاتی طبقه کارگر، با عدول از آن، با پیروی از آموزه‌های بورژوازی حاکم کنونی در دامن زدن به فرقه‌گرانی و خودخواهیها به ویژه توسط رهبران این تشکلها، فراتر نمی‌تواند برود. پس کمونیستهای راستین در درون این تشکلها باید قاطعه‌بپا خیزند و باقدرت تمام براساس رهنماههای پیروز کمونیسم علمی در ایجاد حزب کمونیست انقلابی واحد ایران در پیوند فشرده با کارگران که ستون اصلی این حزب باشند، دست به دست هم داده و این امر مبرم کنونی طبقه کارگر را عملی سازند؟

(۲)- مگر نه این است که کسانی که از درون مبارزه طبقاتی طبقه کارگر به تئوری کمونیسم علمی دست یافته و به مبارزه پرداخته اند نظیر زنده یاد شاهرخ زمانی که با شوروشوق و حرارت بی نظیری

استفاده از آب و برق و تامین مسکن در طبل تخلیق تبلیغاتی حاکمان جدید، جهت گمراه ساختن مردم دمیده شد. سپس ایران را به بزرگترین قتل گاه مبارزان کمونیست و آزادیخواه تبدیل نمودند. با زنان و کارگران به طور وحشیانه ای رفتار کردند و هستند و به جای خدمت به مستضعفان، ایران را به بزرگترین مستضعف ساز جهان مبدل کرده اند!

این ایدئولوژی فریبکار حاکم در کشورهای سرمایه داری در میان بخش عظیمی از نیروهای فعال به ظاهر ضد رژیم در میان کارگران و زحمت کشان نیز رخنه کرده و همین دودوزه بازیها و دروغ گوئیها در میان این نیروهای سیاسی، اخلال و فرقه‌گرانی مخربی به وجود آورده است. با رایج نمودن این طرز تفکر و روشهای مذموم از جانب افسار و طبقه مدافعان رژیم جمهوری اسلامی ایران در جامعه، نیروهای سیاسی ظاهرا مخالف نظام حاکم «معصومانه» گرفتار این ریاکاری شده اند.

برای اثبات این ادعا از این جا شروع می‌کنم که با بررسی دقیق فعالیتهای طبقه کارگر طی ۲۰۰ سال مبارزه طولانی سخت و بغرنج توان با مرگ و زنده‌گی، در کسب حقوق دزدیده شده‌ی خویش، گرویدن صادقانه و مصممانه‌ی بخشی از عناصر وابسته به بورژوازی به صفت مقدم و پیشوای طبقه کارگر، با آموختن از مبارزه طبقاتی کارگران، دست یابی به بینش ماتریالیسم دیالکتیکی، طرد دیدگاههای ایده‌آلیستی و یک جانبه، تحلیل حرکت مبارزات طبقاتی در تاریخ چند هزار ساله بشر و کشف مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله به مثالب اعلت العلل برقراری استثمار و ستم تولیدکنندگان، و افشاء ریاکاری حاکمان را به طور علمی به وجود آمد. این تئوری علمی تاکید نمود که عامل عمدی به وجود آور نده‌ی این از خود بیگانگی و ریاکاریها از تحمیل مالکیت خصوصی بروساپل تولید و مبادله توسط اقلیت حاکم است. لذا بشریت در تغییر وضع نابرابری موجود با ایجاد احزاب راستین انقلابی کمونیست در کشورهای جهان براساس این تئوری، تلفیق این دیدگاه عمیق مادی و دیالکتیکی همه جانبه به شرایط مشخص هر کشور، پیشوای مبارزات و انقلاب کارگری جهت نایبود کردن طبقات متقاضی با برقراری سوسيالیسم و کمونیسم می‌تواند صورت گیرد. تاریخ مبارزات طبقه کارگر در ۲۰۰ سال اخیر و کسب قدرت توسط پرولتاریا نشان داد پیروزی این



به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www/ayenehrooz.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbar-online

سایت آرشیو روزنامه
رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s- Library>

و می خواهند از صفر کار را شروع کنند
در توجیه نظر خود مدعی می شوند که مخالف
نظری هستند که می خواهد در خارج از
ایران حزب بسازد!

آیا در شرایطی که خط پلورالیسم سیاسی
در خارج از ایران بی داد می کند، این ادعای
جدید در زمرة دروغها و یا ریاکاریهای
است که اولاً اگر این ادعا درست باشد،
چرا در این ۴۰ سال اخیر در خارج «حزب
کمونیست ایران» به وجود نیامده؟ و ثانیاً بودند
تشکلهایی که به خاطر غلبه بر سکتاریسم
موجود ضرورت وحدت کمونیستها را در
پیوند با طبقه کارگرخواستار بودند را عمدانه
به ایجاد حزب در خارج متهم کردند تا خشنه
ای به تداوم فرقه گرانی وارد نشود.

اما ایجاد حزب در هرکشوری منوط به
تشکیل کنگره موسس آن در خارج و یا در
داخل نیست، بلکه تشکیل موفقیت آمیز آن با
ایجاد آماده گن نظری و عملی با استخوانبندی
اساسی کارگری آن در داخل مسئله‌ی اساسی
است که این هم توضیح و اضطراب است که این
برنامه و کیفیت کارگری آن منوط به مبارزه
شدید ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی و
سیک کاری و محکم به دست گرفتن آموزه
های کمونیسم علمی در ایجاد حزب است. با
گشادبازی بدون شرط و شروط در بستر پر
از خار و خارسنج طبقاتی، ایجاد تجمعی
از دگماتیستها، سکتاریستها، اپورتونیستها،
پلورالیستها، اکونومیستها، آنارشیستها،
انحلال طلبها، رویزیونیستها، منفی بافان و
غیره و غیره نشان دهنده‌ی درکی معمول
از مبارزه طبقاتی می باشد که راه حل همه
جانبه‌ای ارائه نمی دهد و حاضر به بیرون
آمدن از سراب نیست؟ در حالی که با قبول
رهنمودهای کمونیسم علمی و تلاش روی
وحدت دهی در مشخص کردن آنها در پیوند
با طبقه کارگر دقیق‌ترین راه حل برای تحقق
تشکیل حزب کمونیست انقلابی واحد ایران
می باشد.

با توجه به آن چه که گذشت کمونیستها
در جست و جوی کارگران کمونیست و
روشنفکران کمونیست راستگو همت گماشته
و صفت متحد و مصممی را در ایجاد حزب
به صورت امری میرم و اجتناب ناپذیر گام
پذارند و زنجیرهای طبقات ارجاعی به
پای طبقه کارگر و روشنفکران کمونیست
بسته شده را از هم بگسلند.

ک. ابراهیم

اول اردیبهشت ۱۳۹۷
(۲۱ آوریل ۲۰۱۸)

بوده و به جائی نرسیده است! از این
طريق عنصر مبارزه ایده نولوژیک فعال
طبقاتی و کمونیستی را فدای روشی می کنند
که از نظر تاریخی اثبات شده نیستند!

شما چه دلیلی دارید که برنامه‌های فرقه ای
و نه جمعی کمونیستی، در ایجاد حزب واحد
کمونیست انقلابی در ایران ارائه شده که با
آموزش‌های کمونیسم علمی مطابقت داشته
اند اما کاری نیافتاند؟ از جمله از طریق
کارگری نبودن اکثریت عظیم این تشکلهای؟
روشنفکرانی که از خارج کشور در آستانه
ی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ وارد ایران شدند
و در شرایط ناتوانی تئوریک «سازمان
انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه
له -» و عدم پذیرش تشکیل سینهاریا دعوت
تشکلهای موجود در کردستان به دروغ با
انگ پوپولیستی زدن به دیگر نیروهای خلقی
رهبری طبقه کارگر بر دیگر نیروهای خلقی
را، قبول داشتند، به اتهام دنباله روی از
بورژوازی انگ زندن، خود را به نام «حزب
کمونیست ایران» معرفی کردند. انتسابات
مکرر بعد از «ایجاد حزب کمونیست ایران»
نشان داد که در ابتدای کارمشترکشان سر هم
بندی و عدول از رهنمود کمونیسم علمی
در ایجاد حزب واقعاً کمونیستی صورت
گرفته بود. طولی نکشید که انسعباگری
در میان رهبران این حزب بزرگترین ضربه
را به تشکلهای چپ مدافع کمونیسم زندن.
امری که نشان داد برنامه این حزب کیفیت
کمونیستی و کارگری نداشته است.

بدین ترتیب، به علاوه پرچم «پرولتاریایی
کشورها متحداشود!» تحت اصول کمونیسم
علمی توسط این احزاب مدعی «خود
بهترین»، صورت نگرفت. جالب این که
بعد از گذشت نزدیک به ۴۰ سال هنوز
این تشکلهای مدعی حزب کمونیست ایران
بودن نه تنها در داخل نتوانسته اند طبقه
کارگر ایران را به سوی حزب جلب کنند،
بلکه کوچکترین قدمی هم در خدمت به ایجاد
انترناسیونالیسم پرولتاری کمونیستی برنداشته
و برنامه ای هم در تحقق این مورد، نداشته
اند. به این اعتبار در شرایط فقدان محکم به
دست گرفتن تئوری کمونیسم علمی و تهیه
ی برنامه انقلابی در کار مشترک کمونیستها
در سطح کشوری و جهانی تا به حال صورت
نگرفته و کار فرقه ای مصرانه انجام یافته
که نتیجه اش کارساز نبودن ایجاد احزاب
مخالف در هر کشور هم عیان شده است.

۴) - و اما در رابطه با ایجاد حزب: امروز
آناتی که با پیشنهاد «شرط و شروط
نگذاشتن و بسترسازی» وارد کارزار شده
و آموزش‌های کمونیسم علمی را کنار گذاشته



در جنبش جهانی کمونیستی

عمدتاً در بخش تولید صنعتی، کشاورزی و ساخت و ساز می باشد. این در حالی است که رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۷ به میزان ۲۰,۷٪ است که در سال جاری به دولت گفته می شود همین میزان و یا تا حدودی بالاتر خواهد بود.

این همچنین بر پایه دستمزد مضمک کمتر از ۲۲۰۰۰ دلار برای اکثر کارگران، با سبد خانواده ۷۸۰۰۰ دلار و پس از یک دهه قیمت بالای مواد خام و رشد اقتصادی بیش از ۵ درصد در سال وضعیت موجود بنا به

صفحه ۱۵

آنها ده ها هزار کارگر را که فقط گاهابطور وقت به کار مشغول اند و کسانی را که در بیمه بیکاری هستند، خودسرانه جزو بیکاران به حساب نمی آورند.

با وجود این، این ارقام در حال حاضر نشان دهنده افزایش قابل ملاحظه ای در نرخ بیکاری است که در ماه فوریه در سطح ۹,۳٪ قرار دارد، ۹,۸٪ در مونته ویدئو، ۷,۲٪ از مردان و ۱۱,۸٪ از زنان.

طبق داده های خود دولت، در طول سه سال ۴۲۰۰۰ شغل را از دست دادند، که

از نشریه حقیقت شماره ۱۱۹ ارگان حزب کمونیست انقلابی اروگوئه ریکاردو کوهن - آوریل ۲۰۱۸

"برخورد به بخش تغییرات اجتماعی" افزایش نامنی، بازپرداخت دستمزد، اتحال صنایع ملی و تولیدکنندگان کوچک و متوسط این زمینه و خصوصیات جدید.

آمار های مربوط به بیکاری INE امروزه شناخته شده است، این آمار نشان می دهد که مورد دست کاری قرار گرفته است، زیرا

اشغال ۳۰٪ سرزمین سوریه



چگونه امپریالیسم آمریکا به طور غیرقانونی ۳۰٪ درصد از سرزمین سوریه و شامل بیشتر نفت، آب و گاز آن را اشغال کرده است

در حالی که کنترل منابع کلیدی به منظور تقسیم سوریه و بی ثبات کردن دولت در دمشق صورت می گیرد، هدف اصلی ایالات متحده در اشغال مناطق شمال شرقی سوریه نه تنها به خاطر کنترل نفت و آب غنی سوریه، بلکه مقصود سمت اعمال نفوذ به ایران است.

دو روش متضاد در مبارزه طبقات متخاصم با یکدیگر!

حاکم پرداخته و اصرار ورزیده اند: «نیاید به نزدیک دانایی - شبان خفته و گرگ در گوسفند» و در عصرهای روشنگری با حضور پرولتاریا و مبارزه با دزدان نیرنگ باز حاکم با دیدگاه انقلابی کمونیسم علمی، مواضع ارتقایی مملو از فریب و ریا را بر ملا ساخته اند.

به عنوان نمونه، در سالهای اول قرن بیست و یکم، شاهد دروغ پردازیهای قدرتمندترین حاکمان کشورهای امپریالیستی و در

نابرابری، به مثابه امری طبیعی و ابدی تبلیغ کرده اند که سراسر بی پایه است. این روش به گمراهی کشاندن توده های مردم، به صورتهای مختلف به جوامع جهان توسط حاکمان تزریق شده و در کشاندن طبقات محکوم به پذیرش این حیطه ای تزویر و ریا و رسوخ دادن آن پیوسته تلاش صورت گرفته است. اما عناصر آگاه و متفکر در گذشته تاریخی جوامع طبقاتی، به افسای این فریب کاری و دروغ پردازیهای طبقات

در تاریخ چندهزار ساله ای جوامع طبقاتی، حاکمان ارتقایی جهان با ردیف کردن فریب و دروغ از لحظه ای تا پایان تاریخ جهت حفظ وضع حاکم و محکوم درنگ نکرده و به اشاعه ای آن پرداخته اند.

از آن جمله، وجود نابرابری در جوامع متکی بر مالکیت خصوصی بروساپل تولید و مبادله را به دروغ امری «قدس» معرفی کرده اند: «برابر نبودن ۵ انگشت بشر» باهم را دلیل اثبات ضرورت وجود این

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org